

۱۷ کشته و زخمی در بی‌مبالاتی مدیران کارخانه



حسین فصیحی

شش کشته و ۱۱ زخمی می‌تواند آمار یک عملیات نظامی باشد، اما این تعداد جان‌باخته آماری است که در جریان یک رانندگی که روز پنج‌شنبه اتفاق افتاد، رقم خورد.

صبح روز پنج‌شنبه ۲۰ کارگر زن و مرد از شیفت شب شرکت کبیر ریس شهرستان فراهان در استان مرکزی مثل همیشه خسته از کار شبانه سوار اتوبوس سرویس شدند تا به خانه بروند. وقتی اتوبوس در مسیر شروع به حرکت کرد، این راننده بود که چشم به راه داشت و کارگران خسته به امید اینکه ساعتی بعد در خانه به آسودگی استراحت خواهند کرد، یک به یک به خواب رفتند. وقتی عقربه‌های ساعت روی ۶:۳۰ قرار گرفت، اتوبوس در حال عبور از گردنه نقره کم‌تفرش بود که خواب کارگران به ناگاه به کابوس تبدیل شد. راننده هر چه تلاش کرد اتوبوس را کنترل کند ترمز اجاره این کار را نداد، بنابراین وقتی راننده کامیون اسیسوز را مقابلش دید، کنترل فرمان از دستش خارج شد و حادثه رقم خورد.

به سبب حوادثی که مدام در جریان است پلیس امدادگران برای عملیات نجات خود را به محل رساندند و عملیات امداد را شروع کردند. بررسی امدادگران نشان داد که شش نفر از کارگران مرد در محل جان‌باخته‌اند و ۱۱ نفر از جمله چهار کارگر زن که دچار جراحات شده‌بودند، به بیمارستان منتقل شدند. ستاد بحران استان هم برای بررسی حادثه و خدمت‌رسانی به حادثه‌دیدگان و ابراز همدردی با بازماندگان حادثه تشکیل شد.

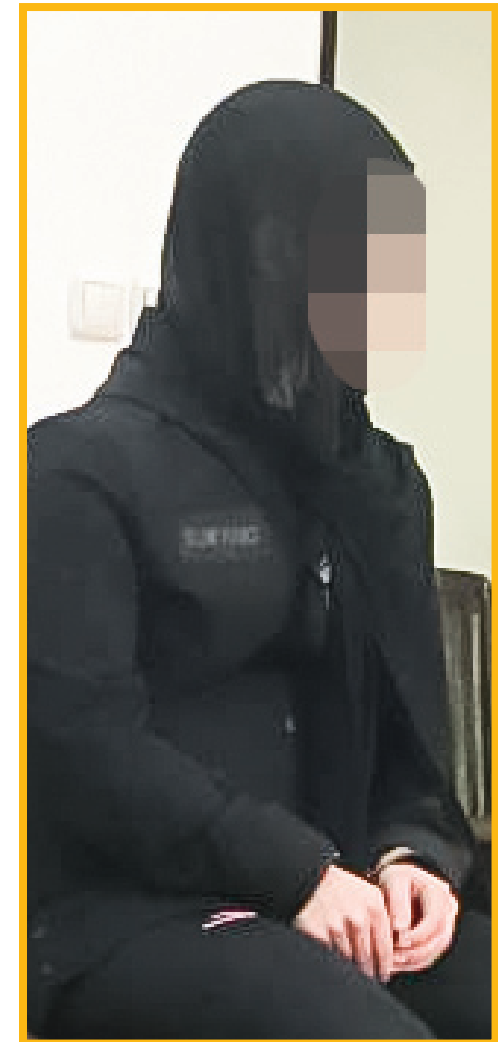
رویه‌ای هر سوسم که سال‌های زیادی است با بروز بحران‌هایی که به دنبال هم صف کشیده‌اند به صورت نمادین تشکیل می‌شود و به جای اینکه سوز کارش مانعی برای ایجاد بحران شود، در انتظار رسیدن بحران تازه است. سرهنگ محمد پورشمس، رئیس پلیس راه فرماندهی نظامی استان مرکزی علت حادثه را نقص فنی در سیستم ترمز اعلام کرده‌است به این معنا که اگر نظارت درست در سیستم ترمز اتوبوس صورت

می‌گرفت، نیازی به تشکیل ستاد بحران و از دست رفتن جان شش انسان بی‌گناه هم نبود. آن گونه که پلیس اعلام کرده از دست رفتن جان هر فرد در جریان سوانح رانندگی خسارت ۸/۵ میلیارد تومانی به کشور وارد می‌کند که احتمالاً مبلغ یکی از این خسارت‌ها از قیمت اتوبوس کارگران که اتوبوس فرودهای بوده بیشتر است. تقویم سوانح رانندگی ایران در این خصوص خونی‌ترین است و هر چه زمان می‌گذرد بر سوانح خونی‌ن آن افزوده می‌شود. مثل حادثه‌ای که دوم تیرماه سال گذشته اتفاق افتاد و منجر به از دست رفتن جان دو خبرنگار شد. حادثه‌واژگونی اتوبوس دوم تیرماه سال گذشته حوالی شهرستان نقده اتفاق افتاد. اتوبوس مورد نظر خودرویی

فرسوده متعلق به کارگران کارخانه سیمان بود، اما آن روز مسافران شیرنگاری بودند که برای بازدید از طرح‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه عازم آن محل شده‌بودند. در این حادثه «رحانه باسینی» و «مهشاد کریمی» از خیرگزاری‌های ایرنا و ایسنا جان باختند و ۲۶ خبرنگار هم مصدوم شدند. دلیل این حادثه بی‌مبالاتی و قصور مسئولان هماهنگی سفر به علت عدم تأمین وسیله نقلیه مناسب و آشنا نبودن راننده با شرایط راه و جغرافیای منطقه بدون هماهنگی با ادارات مرتبط با ایمنی ترافیک اعلام شد.

روشن است که بخش مهمی از سوانحی که در جریان است به دلیل بی‌مبالاتی سازمان‌ها و مدیران کشوری صورت می‌گیرد که برای صرفه‌جویی در هزینه و افزودن به سرمایه‌های خود این گونه سلامت جامعه را به خطر می‌اندازند. با وجود اینکه خبرهای این حوادث مدام در فضای عمومی جامعه مطرح می‌شود و تأثر عمومی و گاه جهانی را با خود همراه می‌کند، اما مشخص نیست چرا سازوکار برای متوقف کردن آن به کار گرفته نمی‌شود. سازوکاری که بتواند برای کارگران کارخانه‌ها هم کرامت انسانی را به صورت عملی قائل شود و همان گونه که مدیران از خودروهای ایمن استفاده می‌کنند، خودروی حامل کارگران، سربازان، دانشجویان، دانش‌آموزان هم ایمن باشد و سرمایه کشور این گونه با ترک فعل‌های عیان از دست نرود.

فرار به خارج از کشور پس از قتل استاد دانشگاه



آزمین بینا
کابوس‌های شنبانه و عذاب‌وجدان زن جوان را وادار کرد پس از ۱۰ روز از قتل استاد دانشگاه را که به دست همسرش و مورد جوانی به قتل رسیده بود، برملا کند. بررسی‌های پلیسی نشان داد همسر مقتول و مرد مسود علاقه‌اش پس از حادثه از کشور خارج شده‌اند.

شاهد قتل
با شناسایی جسد سعید و تأیید قتل او، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند. مأموران پلیس در ادامه بررسی‌های تخصصی خود ردی از همسر مقتول پیدا نکردند، اما دریافتند استاد دانشگاه روز حادثه با همسرش زن و مرد دیگری در یکی از خیابان‌های شمالی تهران قرار ملاقات داشته و همان روز هم پتزر مرموزی به قتل رسیده و همسرش هم ناپدید شده‌است.

رابطه پنهانی
در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، زن جوانی به اداره پلیس رفت و گفت روز حادثه شاهد قتل استاد دانشگاه بوده و الان به خاطر عذاب‌وجدان تصمیم گرفته راز قتل او را برملا کند.

ساعت مچی
با طرح این شکایت، تیم زنده‌ای از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادرسی امور جنایی تهران برای یافتن ردی از زوج جوان وارد عمل شدند.

قرار مرگ
وی ادامه داد: «روز حادثه من، شکیلا و تیمور می‌بودیم که آنها از من خواستند با استاد دانشگاه تماس بگیرم و او را به محل قرار بکشانم. فکر کردم آنها می‌خواهند با او درباره اختلاف‌فشان صحبت کنند، به همین دلیل با سعید تماس گرفتم و به او گفتم می‌خواهم درباره اختلاف‌فشان و مشکلی که پیش آمده با او صحبت کنم. من با سعید در بام آجودانیه قرار گذاشتم و او هم به من اعتماد کرد، چون دوست خانوادگی‌اش بودم و مرا می‌شناخت. وقتی سعید به محل آمد، تیمور و همسرش با او درگیر شدند و سعید را با چاقو به قتل رساندند. سپس جسدش را داخل صندوق

قفل خود و گذاشتند و سه نفری به طرف شهرستان دماوند به راه افتادیم. خیلی ترسیده بودم و نمی‌خواستم همراه آنها باشم، اما مرا تهدید کردند و من مجبور شدم همراه آنها به دماوند بروم. ما جسد را به تپه‌های اطراف روستایی بردیم و در آنجا تیمور جسد را آتش زد و به تهران برگشتیم. از آن روز تیمور و شکیلا راننده‌ها و از ترس هم حرفی به دیگران نزده‌ام، اما عذاب‌وجدان در این مدت رهایم نکرده‌است. شب‌ها از ترس نمی‌خوابیدم و کابوس می‌دیدم. زمانی هم که دقایقی به خواب می‌رفتم مقول در رؤیا به خواب می‌آمد و با ترس و لرز از خواب بیدار می‌شدم. فکر می‌کردم این حادثه را فراموش کنم، اما صحنه جنایت هر لحظه جلوی چشمانم می‌آید و آنقدر در این مدت عذاب روحی و روانی کشیده‌ام که پس از ۱۰ روز تصمیم گرفتم به اداره پلیس بیایم و راز قتل استاد دانشگاه را برملا کنم تا عذاب‌وجدان رهایم کند.»

فراز
در حالی که زن جوان پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفته بود، تیم جنایی تحقیقات گسترده‌ای را برای دستگیری عاملان قتل مرد جوان آغاز کرد. بررسی‌های مأموران نشان داد دو متهم پس از حادثه به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند و به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس گریختند. تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه متهمان و برگرداندن آنها به ایران از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

کابوس بینا
کابوس‌های شنبانه و عذاب‌وجدان زن جوان را وادار کرد پس از ۱۰ روز از قتل استاد دانشگاه را که به دست همسرش و مورد جوانی به قتل رسیده بود، برملا کند. بررسی‌های پلیسی نشان داد همسر مقتول و مرد مسود علاقه‌اش پس از حادثه از کشور خارج شده‌اند. اوایل دی‌ماه، مرد میان‌سالی در تهران به اداره پلیس رفت و از گمشدن ناگهانی پسر و عروسش خبر داد.

قتل مرد دستفروش
دومین مردی که در دادگاه به قصاص محکوم شد، خرادامه ۹۷ در گرگی در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران مرد دستفروشی را به قتل رسانده بود. آن روز وقتی مأموران کلانتری ۱۱۳ یازم به محل حادثه رسیدند با جسد مرد ۳۵ ساله‌ای به نام سیاوش روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران ضارب ۴۵ ساله را به نام صمد شناسایی و بازداشت کردند. متهم که در پرونده‌اش چند سابقه کیفری ثبت و چند بار هم به خاطر مشکل روانی در بیمارستان بستری شده بود، تحت بازجویی قرار گرفت.

ساعت مچی
با طرح این شکایت، تیم زنده‌ای از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادرسی امور جنایی تهران برای یافتن ردی از زوج جوان وارد عمل شدند.

قرار مرگ
وی ادامه داد: «روز حادثه من، شکیلا و تیمور می‌بودیم که آنها از من خواستند با استاد دانشگاه تماس بگیرم و او را به محل قرار بکشانم. فکر کردم آنها می‌خواهند با او درباره اختلاف‌فشان صحبت کنند، به همین دلیل با سعید تماس گرفتم و به او گفتم می‌خواهم درباره اختلاف‌فشان و مشکلی که پیش آمده با او صحبت کنم. من با سعید در بام آجودانیه قرار گذاشتم و او هم به من اعتماد کرد، چون دوست خانوادگی‌اش بودم و مرا می‌شناخت. وقتی سعید به محل آمد، تیمور و همسرش با او درگیر شدند و سعید را با چاقو به قتل رساندند. سپس جسدش را داخل صندوق

حکم قصاص برای ۲ قاتل

دومرد جوان که در حادثه‌های جداگانه مرتکب قتل شده بودند در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه و به قصاص محکوم شدند. به گزارش جوان، اولین متهم، بهرام ۲۸ ساله است که ۱۰ آبان سال گذشته به خاطر قتل دوستش به نام سعید بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به جرمش اقرار کرد و گفت: «من و سعید سال‌ها با هم دوست بودیم و همیشه با هم رفت و آمد داشتیم. آن شب در خانه تنها بودم که او را به خانام دعوت کردم تا با هم مشروب بخوریم. بعد از خوردن مشروب، من حالت عادی نداشتم تا اینکه با سعید بحث شد. این بحث ادامه پیدا کرد و در نهایت کار به درگیری کشید. در آن روز، سعید با چاقو به من حمله کرد و من مجبور شدم او را با چاقو زخمی کنم. بعد از آن، سعید مرا با چاقو زد و من به بیمارستان رفتم و فریاد کشیدم و از همسایه‌ها کمک خواستم. بلند ای می‌زدم، برادرم را کشتیم و الان هم پیشانی‌ام.»

قتل مرد دستفروش
دومین مردی که در دادگاه به قصاص محکوم شد، خرادامه ۹۷ در گرگی در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران مرد دستفروشی را به قتل رسانده بود. آن روز وقتی مأموران کلانتری ۱۱۳ یازم به محل حادثه رسیدند با جسد مرد ۳۵ ساله‌ای به نام سیاوش روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران ضارب ۴۵ ساله را به نام صمد شناسایی و بازداشت کردند. متهم که در پرونده‌اش چند سابقه کیفری ثبت و چند بار هم به خاطر مشکل روانی در بیمارستان بستری شده بود، تحت بازجویی قرار گرفت.

ساعت مچی
با طرح این شکایت، تیم زنده‌ای از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادرسی امور جنایی تهران برای یافتن ردی از زوج جوان وارد عمل شدند.

قرار مرگ
وی ادامه داد: «روز حادثه من، شکیلا و تیمور می‌بودیم که آنها از من خواستند با استاد دانشگاه تماس بگیرم و او را به محل قرار بکشانم. فکر کردم آنها می‌خواهند با او درباره اختلاف‌فشان صحبت کنند، به همین دلیل با سعید تماس گرفتم و به او گفتم می‌خواهم درباره اختلاف‌فشان و مشکلی که پیش آمده با او صحبت کنم. من با سعید در بام آجودانیه قرار گذاشتم و او هم به من اعتماد کرد، چون دوست خانوادگی‌اش بودم و مرا می‌شناخت. وقتی سعید به محل آمد، تیمور و همسرش با او درگیر شدند و سعید را با چاقو به قتل رساندند. سپس جسدش را داخل صندوق

سرقت شیر آلات توالت‌ها با کلاه گیس

شال گردن زنانه هم کشف کردیم. متهم که در بررسی سوازش معلوم شد قبل از این، چهار بار به اتهام‌های زورگیری و سرقت دستگیر و روانه زندان شده‌است با خوبی داشتند تا اینکه چند سال قبل معتاد سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است.

طمع
متهم که در بررسی سوازش معلوم شد قبل از این، چهار بار به اتهام‌های زورگیری و سرقت دستگیر و روانه زندان شده‌است با خوبی داشتند تا اینکه چند سال قبل معتاد سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است. با طرح این شکایت، پرونده سرقت‌های بهداشتی پاساژ معروفی را سرقت کرده‌است.

کلاه گیس
وی درباره کلاه‌گیس و شال گردن زنانه‌ای که در کوله‌اش کشف شده بود، گفت: «استفاده از کلاه‌گیس را در زندان آموزش دیدم. هم‌سلولی‌ام سارق سابقه‌دار بود که در تمامی سرقت‌هایش برای اینکه شناسایی نشود از کلاه‌گیس استفاده می‌کرد. من هم از او یاد گرفتم و وقتی آزاد شدم یک کلاه گیس خریدم و زمانی که به سرقت می‌رفتم، کلاه‌گیس را می‌گذاشتم و صورتم را هم با شال می‌پوشاندم تا شناسایی نشوم. من سارق سابقه‌دار بودم و اگر تصویر حقیقی مرا دوربین ثابت می‌کردند، خیلی زود از سوی مأموران شناسایی می‌شدم.»

۶ کشته در انفجار منزل مسکونی در بوکان

انفجار گاز در منزل مسکونی در شهر بوکان استان آذربایجان غربی شش کشته و دو زخمی برجای گذاشت. به گزارش تسنیم، حوالی ساعت ۲۰ شانگام پنج‌شنبه ۲۲ دی خبر انفجار شدید گاز در یک منزل مسکونی در کوچه‌های بهار در خیابان ورزش بوکان به آتش‌نشانان مخابره شد و در پی آن نیروهای امدادی و مردمی برای کمک‌رسانی عازم محل شدند. امدادگران وقتی به محل حادثه رسیدند، دریافتند در این حادثه، یک باب منزل مسکونی به طور کامل تخریب و آسیب‌هایی نیز به خانه‌های همجوار وارد شده‌است. تیم‌های عملیاتی در جریان هفت ساعت آواربرداری پیکر هشت نفر را زیر آوار بیرون کشیدند که اعلام شد شش نفر فوت کرده و دو نفر هم به شدت زخمی شده‌اند. مصدومان حادثه در بیمارستان تحت درمان قرار دارند.



مفقودی
برگ سبز خودرو پیکان وانت تیپ OHV۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۶ به رنگ سفید شیری روغنی به شماره پلاک ایران ۴۲-۱۳۸۳-۲۱ و شماره موتور ۱۱۴۸۶۰۳۸۴۱۴ و شماره شاسی ۳۱۶۳۶۵۷۸ به مالکیت اسماعیل طالبی با کد ملی ۰۶۳۸۷۳۰۴۰۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.